



إِلَهِي... فَأَنْتَ لَا غَيْرُكَ مُرَادِي،
وَلَا لَكَ لَا لِسْوَكَ سَهْرِي وَسُهَادِي،
وَلِقَاؤُكَ قُرَّةُ عَيْنِي، وَوَصْلُكَ
مُنَى نَفْسِي...

خدای من!... مقصودم در زندگی
فقط تویی و نه هیچ کس؛ و شب
زنده داری و بی خوابیم فقط به عشق
توست و نه هیچ کس؛ و روشنی
چشمانم و آرامش دلم فقط دیدار
توست؛ و منتهای آرزوی زندگیم
رسیدن به مقام وصل توست...
(مناجات المریدین: بحار، ج ۶، ص ۱۴۸)





برگرفته از دستور العمل های
کتاب مفتاح الفلاح شیخ بهایی
و توصیه های علمای ربانی متأخر

تدوین و نگارش
محمّد روحی و محمّد تقی فیاض بخش



برشانه: م-ر، ۱۳۲۶ - • عنوان قرارداد: مفتاح الفلاح، فارسی - عربی، برگزیده عنوان و نام پدیدآور آداب المریدین، برگرفته از دستور العمل های کتاب مفتاح الفلاح شیخ بهایی و توصیه های علمای ربانی متأخر، تدوین و نگارش: محمّد روحی، محمّد تقی فباض بخش، (برای مؤسسه فرهنگی هنری جلوه ی نور علوی) ❦

مشخصات نشر: قم، واژه پرداز اندیشه، ۱۳۹۷، • مشخصات ظاهری: ۳۲۸ ص، ۱۷×۲۷ س.م، شابک: ۹۶۴۷۳-۶۰۰-۹۷۸ • وضعیت فهرست نویسی: فایبا

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: بخشی از کتاب حاضر گزیده ی از کتاب «مفتاح الفلاح» اثر شیخ بهایی است.

یادداشت: کتاب حاضر توسط ناشران متفاوت در سال های مختلف منتشر شده است.

یادداشت: کتابسه.

موضوع: اعمال الشیخ، Islamic Devotional Calendars

موضوع: دعاها، Prayers

شماره ی افزودنی: فباض بخش، محمّد تقی، ۱۳۳۲ -

شماره ی افزودنی: افزودنی: شیخ بهایی، محمّد بن حسن، ۹۵۳-۱۰۳۱ ق، مفتاح الفلاح، برگزیده

شماره ی افزودنی: مؤسسه ی فرهنگی هنری جلوه ی نور علوی (❦).

رده بندی کتاب: ۲۳۹۷، ۹۳۳/م، BP۲۶۶

رده بندی دومین: ۲۹۷/۷۷

شماره ی کتابخانه ملی: ۵۴۶/۱۲۰

مؤسسه ی فرهنگی - هنری جلوه ی نور علوی (❦)

تلفن: ۰۲۱ ۳۳۹۸۷۹۹۰ - ۰۹۰ ۳۳۹۸۷۹۹۰

سایت: Jelveh.org / رایانامه: info@jelveh.org

مرکز بخش سراسری: ۰۹۱۲ ۷۹۷ ۴۷۵۰

آداب المریدین، برگرفته از دستور العمل های کتاب «مفتاح الفلاح»

شیخ بهایی و توصیه های علمای ربانی متأخر

مؤلفین: استاد محمّد تقی فباض بخش، حجة الاسلام دکتر محمّد روحی

ناشر: انتشارات واژه پرداز اندیشه

❦ ❦ ❦

مدیر هنری: محمّد روح الامین

طراح جلد: مجید زارع

صفحه آرا: مسلم علم زاده

نوبت چاپ: دوم، زمستان ۱۳۹۷

شمارگان: ۱،۰۰۰؛ چاپ کل: ۲۲،۰۰۰ جلد

شابک: ۹۶۴۷۳-۶۰۰-۹۷۸

قیمت [با جلد چرمی]: ۲۸،۰۰۰ تومان



فهرست

۱۱	مقدمه
۳۷	فصل اول اعمال مابین نیمه‌ی شب تا هنگام طلوع فجر
۳۹	نماز شب
۳۹	فضایل و آثار نماز شب
۴۸	اعمال پیش از نماز شب
۵۲	مقدمات نماز شب
۵۲	آداب تخلی
۵۲	آداب مسواک زدن
۵۳	دعاهای وضو
۵۶	استعمال عطر
۵۷	دعاهای پیش از نماز شب
۶۲	کیفیت نماز شب
۶۸	دعاها و اذکار قنوت نماز وتر
۸۶	تعقیبات نماز شب
۸۶	دعای سی و دوم صحیفه‌ی سجادیه
۱۰۳	قرائت قرآن در نیمه‌ی شب
۱۰۴	نافله‌ی صبح

۱۰۹.....	فصل دوم - آداب و تعقیبات نماز صبح
۱۱۱.....	آداب نماز صبح
۱۲۳.....	تعقیبات مشترکه
۱۳۷.....	تعقیبات خاص نماز صبح
۱۴۰.....	اعمال مخصوص صبح
۱۴۱.....	دعای صباح
۱۵۰.....	دعای عهد
۱۵۹.....	فصل سوم - اعمال مشترک صبح و شام
۱۶۱.....	اعمال مشترک صبح و شام
۱۶۵.....	دعای حجب
۱۷۱.....	فصل چهارم - آداب نماز ظهر و عصر
۱۷۳.....	آداب وقت زوال و نماز ظهر
۱۷۵.....	تعقیبات نماز ظهر
۱۷۸.....	آداب و تعقیبات مخصوص نماز عصر
۱۸۱.....	فصل پنجم - اعمال خاص هنگام غروب و نماز مغرب و عشا
۱۸۳.....	دعای پیش از غروب
۱۸۷.....	اعمال مخصوص شام
۱۸۸.....	تعقیبات خاص نماز مغرب
۱۹۳.....	نماز غفلیه
۱۹۶.....	نماز عشا و تعقیبات خاص آن
۲۰۱.....	فصل ششم - آداب هنگام خواب
۲۰۳.....	ادعیه و دستورات قبل از خواب
۲۱۱.....	فصل هفتم - گزیده‌ی آداب هفته، ماه و سال
۲۱۳.....	گزیده‌ی آداب هفته
۲۱۴.....	اعمال شب جمعه
۲۲۰.....	اعمال روز جمعه

۲۲۳	صلوات آیوالحسن صراط اصفهانی
۲۳۱	زیارت آل یاسین
۲۳۷	دعای بعد از زیارت آل یاسین
۲۴۱	زیارت ندبه
۲۵۶	گزیده‌ی آداب ماه
۲۵۷	گزیده‌ی آداب سال
۲۵۷	۱- ماه رجب
۲۵۷	دعای ناحیه‌ی مقدسه در ماه رجب
۲۶۲	۲- ماه شعبان
۲۶۳	صلوات هنگام ظهر ماه شعبان
۲۶۶	مناجات شعبانیه
۲۷۸	۳- ماه مبارک رمضان
۲۷۸	دعای سحر ماه مبارک رمضان
۲۸۵	۴- ماه شوال
۲۸۵	۵- ماه ذی‌قعدة
۲۸۵	غسل و نماز توبه
۲۸۷	۶- ماه ذی‌حجه
۲۸۸	تهلیلات ماه ذی‌حجه
۲۹۱	نماز «واعظانه»
۲۹۲	۷- ماه محرم
۲۹۲	زیارت عاشورا

ملحقات

۳۰۲	زیارت امین الله
۳۰۶	زیارت جامعه‌ی کبیره
۳۲۶	فهرست منابع

مُقَدِّمِه

بندگی حق، هدف از آفرینش و جوهره‌ی هستی
انسان و معنا دهنده‌ی انسانیت او است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۱

و جن و انس را نیافریدم، جز برای آن که مرا بپرستند.

و مفهوم «عبودیت» یعنی آراسته شدن به کمالات،
اسماء و صفات الهی، و در يك کلمه تولى به ولایت کلی
الهی؛ که توحید و ولایت دو روی يك سکه‌اند و بنده‌ای
که با تمام وجود به کمالات توحیدی آراسته گردد و
هیچ فعل، صفت، اسم و ذاتی جز برای حق نبیند،
تحت ولایت الهی وارد شده، و خداوند سرپرستی او
را در تمامی زمینه‌ها عهده‌دار خواهد شد، و خداوند
«ولئى» او، و او «ولئى الله» خواهد گردید.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال عنوان بصری
پیرامون این معنا چنین فرمود:

«قُلْتُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ: مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ؟ قَالَ:
ثَلَاثَةُ أَشْيَاءٍ: أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ
اللَّهُ مِلْكًا، لِأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مِلْكٌ، يَرَوْنَ
أَمَالَ مَالِ اللَّهِ، يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ، وَ
لَا يُتَذَبَّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَذَبِيرًا، وَجُمْلَةُ اسْتِغَالِهِ فِيمَا
أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَنَهَاهُ عَنْهُ...»^۱

گفتم: ای ابا عبد الله، حقیقت عبودیت و بندگی چیست؟
فرمود: سه چیز است: اول آن که بنده خویش را مالک آن چه
خدا به وی عطا کرده نداند زیرا بندگان مال و ملکی برای
خود قائل نیستند. و همه را از آن حق می‌دانند، و در راهی
که دستورشان داده مصرف می‌کنند، سوم: آن که بنده برای
خود تدبیر نکند. و سوم آن که تمام اشتغالش به کاری باشد
که خداوند او را به آن امر و یا از آن نهی نموده است...

و «عبادت»، بهترین نمود بندگی و معنادهنده
به سایر تعامل‌های انسان می‌باشد، به گونه‌ای که
اگر عبادت در زندگی بشر نباشد، انسان به مخلوقی
خاکی در ردیف سایر ناسوتیان بدل می‌شود، که مدتی

در زمین خاکی می چرد تا ظرف عمرش به سرآید، و جرثومه‌ی گندیده‌اش برای نجات دیگران از تعفن و آلودگی، به زیر خاک کشیده شود.

بنابراین، اگرچه واژه‌ی «عبادت» در فرهنگ قرآن و حدیث از دامنه‌ی وسیعی برخوردار است، و گستره‌ی آن تمامی تعامل‌های انسان را دربرمی‌گیرد، لیکن در مفهوم خاص خود، که نموده‌های ارتباط انسان با خدا در قالب دعا، ذکر، قرآن و نماز است، بسیار مورد تأکید قرار گرفته؛ به حدی که در حدیث منقول از امام صادق علیه السلام به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

«أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ، فَعَانَقَهَا بِنَفْسِهِ، وَبَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ، وَتَفَرَّغَ لَهَا، فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا، عَلَى عُسْرٍ أَمْ عَلَى يُسْرٍ.»

بهترین مردم کسی است که به عبادت عشق ورزد، و با تمام وجود با آن مانوس شود، و اوقات خود را به عبادت بگذراند، و برای او فرقی نکند که دنیا بر او سخت یا آسان گذرد.

از این رو، عبادت و مناجات اولیای الهی نه تنها در حاشیه‌ی زندگی و اوقات فراغت آن‌ها نیست،

که در متن زندگی و جزیی از برنامه‌ی کار شبانه‌روزی آنان محسوب می‌شود. و اصولاً تا روح مؤمن از دوام انس با حق بهره‌ی کامل نبرد، نمی‌تواند در فعالیت روزانه به درستی عمل به بندگی نماید.

خداوند در اولین روزهای بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، در سال‌های پرمشغله و سراسر درگیری آن حضرت، فرمان «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا» (بیاخیز شب را مگر اندکی) را صادر می‌نماید، و محتوای مناجات شبانه را نیز، در آیات بعد، تلاوت کلام الهی، نماز، دعا و ذکر پروردگار معین می‌کند:

﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾

و قرآن را شمرده شمرده بخوان.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و برخی از خواص اصحاب آن حضرت، به دنبال این فرمان، گاه شب‌ها را تا به صبح به عبادت بیدار می‌ماندند تا اطمینان به امتثال امر الهی نموده باشند. و خداوند راز و رمز این همه اهتمام به عبادت و شب‌خیزی و نماز و دعا را آماده شدن قلب و روح مؤمن برای درک معارف لطیف قرآن و الهامات و اشراقات غیبی پروردگار از

يك سو، و قوَّت روح و صراحت بیان و آلوده نشدن به کدورت‌های گناه در تعامل‌های روزانه و روابط اجتماعی می‌داند.

﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَضْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً﴾

شب خیزی و مناجات در نیمه‌های شب، برای نریمی دل‌آدر دریافت افاضات الهی، بهتر و در صراحت محفّات و ثبات قدم (در روز) مؤثرتر است.

ولی در روزگار پرمشغله‌ی امروز، شدّت اشتغالات به گونه‌ای است که نه تنها مستحبات به فراموشی سپرده شده، بلکه در واجبات نیز به حداقل اکتفا می‌شود؛ گویی نوافل برای اوقات بیکاری و بان‌نشستگی است، و تنها فرزنانگان و اولیای الهی بردند که اغلب اوقات فعال عمرشان به عبادت و ذکر می‌گذشت. ولی حقیقت آن است که شیطان هرگز در آغاز راه، مؤمن را وسوسه به ارتکاب کبائر و محرمات نمی‌نماید؛ زیرا می‌داند این گونه ترفندها کارساز نیست، اما با بزرگ و سنگین جلوه دادن عبادات و نوافل از یکسو، و کوچک و کم‌اهمیت نمودن اوقات تلف شده در امور دنیوی و پوچ و بی‌حاصل از سوی دیگر، شرایط را به گونه‌ای فراهم می‌نماید که اگر

ساعت‌های مفید و باارزشی از شبانه‌روز به پای دنیای زودگذر ریخته شود، دردآور نیست و اصولاً به حساب نمی‌آید؛ اما اگر ساعتی به دعا و مناجات با حق و یا ذکر طولانی بگذرد، از ضایعات عمر و اوقات از دست رفته محسوب می‌شود، و باید به اوقات پیری و بازنشستگی منتقل شود. باکم شدن ذکر و یاد حق در زندگی، زمینه‌ی تسلط شیاطین و ورود به کبائر فراهم می‌گردد، و گناه و عصیان پروردگار کوچک جلوه داده می‌شود، و بالاخره سرآغاز ولایت شیطان و ورود به همه‌ی گناهان هموار می‌گردد.

﴿وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ﴾^۱

و هر کس از یاد (خدای) رحمان دل بگرداند، برای او شیطانی می‌گماریم تا برای وی مونس باشد.

مگر نه آن است که نماز شب سپر مؤمن در برابر معاصی، و نوافل یومیّه مکمل نواقص قرائض اند. چه کسی است که بتواند ادعا کند نمازهای واجب خود را با حضور قلب کامل و بدون نقص به پیشگاه مولی عرضه می‌دارد و نیازی به نوافل ندارد؛ که در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«إِنَّ الْعَبْدَ لَيَرْفَعُ مِنْ صَلَاتِهِ نِصْفَهَا أَوْ ثُلُثَهَا أَوْ رُبْعَهَا أَوْ خُمْسَهَا، فَمَا يُرْفَعُ لَهُ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ بِقَلْبِهِ. وَإِنَّمَا أَمَرْنَا بِالنَّافِلَةِ لِيَتِمَّ لَهُمْ بِهَا مَا نَقَصُوا مِنَ الْفَرِيضَةِ.»^۱

گاه از نماز بنده تنها نصف یا یک سوم و یا یک چهارم آن بالا رفته و پذیرفته می شود، و تنها مقداری که حضور قلب در آن داشته مقبول می گردد؛ و لذا برای تکمیل نقایص و کاستی های فرایض، به انجام نافله دستور داده شده ایم.

این که در سیره ی ائمه ی معصومین علیهم السلام و به تبع آنان عالمان ربانی، بخشی از ساعات شبانه روز آن ها به ذکر و دعا و نمازهای مستحب اختصاص داشت، برای این مهم بود که اصولاً کار اصلی بنده، بندگی است؛ و ادب بندگی توجه کامل به مولی در امثال او امر مولوی است، و در این مهم تفاوتی میان فرایض و نوافل نمی کند.

«قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۲

بگو: در حقیقت، نماز من و اسایر عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خداوند یکتا، پروردگار جهانیان است.

۱- کافی، ج ۲، ص ۳۶۳، روایت ۲.

۲- سوره ی انعام، آیه ی ۱۶۲.

اگرچه در میان کتب ادعیه، کتاب‌هایی که برنامه‌های شبانه‌روز را به‌طور منظم بیان کرده باشد یافت می‌شود، و به خصوص مشایخ قوم، شاگردان خود را در این مهم به کتاب «مفتاح الفلاح»، نوشته‌ی جامع معقول و منقول، آیت حق، مرحوم «شیخ بهایی رحمته‌الله» ارجاع می‌دادند؛ لیکن این کتاب به دلیل متن عربی و اضافات توضیحی، برای عموم قابل استفاده نیست. از این رو، نیاز بود کتابی با محوریت «مفتاح الفلاح»^۲ همراه با بهره‌گیری از مجموعه کتب معتبری که در این راستانگارش یافته، و در فهرست منابع کتاب آمده است، تدوین شود؛ و یک دوره‌ی فشرده از اعمال عبادی شبانه‌روز، از لحظه‌ی بیداری برای نوافله‌ی شب تا هنگام استراحت شبانه، در آن آرایه گردد؛ به گونه‌ای که با مراجعه به آن، بتوان امور عبادی خود را تحت برنامه‌ی منظمی، متناسب با توان و استعداد خود، انتخاب کرد و انجام داد.

۱. از جمله عالم ربانی شیخ محمد بهاری رحمته‌الله در تذکرة المتقین، ص ۹۳، در سطح پایین‌تر «منهاج الجاه» نوشته‌ی فیض کاشانی رحمته‌الله نیز مورد سفارش آخوند مولى حسینقلی همدانی رحمته‌الله می‌باشد. رک: تذکرة المتقین، ص ۱۹۷.
 ۲. از آن جاکه ذکر منابع در جای جای مطالب برگرفته از این کتاب شریف، مثال آور شود، لذا استناد مکرر خودداری نمودیم.

پیشاپیش چند نکته را درباره‌ی نحوه‌ی تدوین این کتاب و نحوه‌ی استفاده از آن یادآور می‌شویم:

۱. در گزینش مطالب سعی بر آن شده از يك سو به اتقان و اعتبار آن‌ها توجه شود؛ و از سوی دیگر دستوراتی باشد که مورد توجه و عنایت اکابر و مشایخ قوم، به ویژه مکتب تربیتی عارف کامل، عالم ربّانی، آخوند مولى حسینقلی همدانی رحمه الله باشد؛ که خود بدان عمل می‌نمودند و به شاگردان خود توصیه می‌کردند.

۲. هر چند هدف اصلی در تدوین کتاب، اعمال یومیّه می‌باشد، ولی برای تکمیل آن مختصری به اهمّ اعمال هفته، ماه و سال اشاره شده است؛ و در این زمینه، محور کار ما را کتاب‌های سید بن طاووس رحمه الله و «المراقبات» مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی رحمه الله تشکیل می‌دهند. از آن‌جا که ذکر منابع در پاورقی به طور مکرر ملال‌آور است، لذا از استناد مکرر خودداری نمودیم.

۳. از ذکر دستوره‌ای خاصی که در کلمات مشایخ است و نیاز به اذن استاد و تلقی از راهنمای خاص دارد، پرهیز شده است.

۴. در انتخاب اعمال و اذکار، اصل «میانه‌روی و رفق در عبادت» می‌باید رعایت شود. و هر کس

به فراخور شغل، حال و وقت خود، به مقدار عملی که می‌تواند با نشاط کامل انجام دهد، بسنده کند؛ چنان که در حدیث است، امام صادق علیه السلام فرمود:

«لَا تُكْرِهُوا إِلَى أَنْفُسِكُمُ الْعِبَادَةَ.»

کاری نکنید که عبادت در نظر شما زشت جلوه کند.

نیز در حدیث دیگر می‌فرماید:

«اجْتَهِدْتُ فِي الْعِبَادَةِ وَأَنَا شَابٌّ، فَقَالَ لِي أَبِي عليه السلام:

يَا بَنِي، هُوَ مَا أَرَاكَ تَصْنَعُ. فَإِنَّ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا رَضِيَ عَنْهُ بِالْيُسْرِ.»

در دوران جوانی بسیار در عبادت سخت کوشی می‌کردم، پدرم به من فرمود: فرزند عزیزم، کمتر از آن چه می‌بینم انجام ده؛ زیرا هرگاه خداوند - عزَّوَجَلَّ - بنده‌ای را دوست بدارد، از او به عمل عبادی، کم راضی می‌گردد.

در همین زمینه، حضرت علامه‌ی طباطبائی رحمته الله امر سؤم از اموری را که سیر الی الله بدان بستگی دارد، رفق و مدارا برشمرده و چنین توضیح می‌دهد:

و این از اهمّ اموری است که باید سالتک الی الله آن را رعایت کنی؛ چه در اثر اندک غفلتی در این امر، سبب می‌گردد که علاوه

۱. کافی، ج ۲، ص ۸۶، حدیث ۱۰۵۳؛ الشیعه، ج ۱، ص ۱۰۸؛ بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۱۳.
۲. کافی، ج ۲، ص ۸۷، حدیث ۱۰۵۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۰۸؛ بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۵۵؛ ج ۶۸، ص ۲۱۳.

بر آن که سالک از ترقی و سیر باز بماند، برای همیشه و به کلی از سفر ممنوع خواهد شد. سالک در ابتدای سفر در خود شور و شوقی زاید بر مقدار و مترقب می یابد، و یا در بین سفر هنگام ظهور تجلیات صورتیهی جمالیه، عشق و شور و اغری در خود حس می کند، و در اثر آن ها تصمیم می گیرد اعمال کثیره ی عبادیه ای را به جای آورد؛ لهذا اکثر اوقات خود را صرف دعا و ندبه می نماید، به هر عمل دست می زند و از هر کس کلمه ای می آموزد، و از هر غذای روحانی لقمه ای بر می دارد. این طرز عمل، علاوه بر آن که مفید نیست، زیان آور است؛ چون در اثر تحمل اعمال گران بر نفس، ناگهان در اثر عکس العمل فشاری که بر نفس وارد شده است، نفس عقب زده و بدون گرفتن نتیجه، سالک از همه ی کارها می ماند، و دیگر در خود میل و رغبتی برای اکتان جزئی ترین جزء از مستحبات احساس نمی کند. سیر این افراط در عمل و تفریط نهایی این است که میزان و حلاک در انبیا اعمال مستحبه را ذوق و شوق موقتی خود قرار داده است، و بار سنگین را بر دوش نفسی قرار داده است؛ وقتی آن شوق موقتی به پایان رسید، و آن لایب تند و تیز رو به فروکش نهاد، در آن موقع نفس از تحمل این بار گران به تنگ آمده، دفعتاً شانه خالی می کند، و بار سفر را در ابتدا یا نیمه ی راه به زمین می گذارد، و از سفر منتظر شده و از مُعدّات سفر و مُعدّات آن بیزاری می جوید. بنابراین، سالک نباید فریب این شوق موقتی را بخورد، بلکه باید با نظری دقیق و عال اندیش، استعداد و خصوصیات روحی و وضع کار و شغل و مقدار قابلیت تحمل خود را سنجیده، عملی را که می تواند بر

آن مداومت نماید، و قدری هم از استعداد او کمتر و کوچک‌تر است انتخاب نماید، و به همان قدر اکتفا کند، و بدان اشتغال ورزد تا کاملاً حظ ایمانی خود را از عمل دریافت دارد. بنائاً علیها سالک باید وقتی مشغول به عبادت می‌شود با آنکه هنوز میل و رغبت دارد دست از عمل بکشد، تا میل و رغبت به عبادت در او باقی مانده همیشه خود را تشنه‌ی عبادت ببیند. مثل سالک در به جای آوردن عبادات مانند شخصی است که می‌خواهد غذا تناول کند؛ اولاً باید غذایی را انتخاب کند که مساعد با مزاج او باشد، و ثانیاً قبل از این که سیر شود دست از خوردن باز دارد، تا پیوسته میل و رغبت در او باقی باشد.^۱

۵. دعاها و اعمال را به فراخور حال و توان خود انتخاب و بدان عمل نماید. و هیچ گاه اصل اصیل «حضور قلب» را در عبادت فراموش ننماید. و اگر انتخاب ادعیه و اعمال با نظر استادی کارآموده باشد، مفیدتر خواهد بود. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَادْبَاراً فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاخْلُوها عَلَى التَّوَاقِلِ، وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ»^۲. دل‌ها گاهی نشاط دارند و گاهی ملالت. اگر نشاط داشتند، آن‌ها را به مستحبات وادارید، و اگر ملالت دست داد، به واجبات بسنده کنید.

۱. رساله‌ی ت‌الطاب، ص ۱۱۰، ۱۱۲.

۲. نهج‌السلامه. کلمات قصار، کلمه‌ی ۳۱۲.

نیز در حدیث است که:

«الْقَصْدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْقُلُوبِ أَبْلَغُ مِنْ إِتْعَابِ
الْجَوَارِحِ بِالْأَعْمَالِ»^۱

آهنگ درگاه خداوند متعال را با دل ها کردن، زودتر انسان را
به مقصد می رساند تا با به رنج انداختن اعضا و جوارح، به
واسطه ی انجام اعمال طاقت فرسا.

آخوند مولى حسینقلی همدانی رحمته الله علیه در این باره
می فرماید:

«و سعی کن که عملی و تکرر، به محض زبان نباشد و با حضور
قلب باشد، که عملی بی حضور اصلاح قلب نمی کند. اگرچه
ثواب کمی دارد»^۲

نیز توصیه های آیت حق، مرحوم میرزا جواد آقا
ملکی تبریزی رحمته الله علیه، در موارد متعدّد از کتاب شریف
«المراقبات»، در این باره بسیار مغتنم است.^۳

۶. همان گونه که نظم در همه ی امور به کارها
سامان می دهد و از هرز رفتن اوقات می کاهد،
«نظم در امور عبادی» نیز علاوه بر آن که موجب
برکت و وسعت در اعمال عبادی می شود، آرام آرام

۱. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۶۸؛ بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۶۲؛ ج ۶۷، ص ۶۰؛ به نقل از
رسول خدا صلی الله علیه و آله یا امام جواد علیه السلام.

۲. تذکرة المتّقین، ص ۱۶۷.

۳. ر.ک: المراقبات، ص ۲۲، ۴۴، ۱۳۱ و ۲۳۳.

نفس انسان را آماده می‌سازد تا فرایض و نوافل را با شوق و رغبت انجام دهد. از این رو، سالک باید با تقسیم اوقات خود و مدیریت زمان و عمل بر اساس آن، از فرصت عمر خود بهترین استفاده را بکند. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: سَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ، وَ سَاعَةٌ يُرْمِي مَعَاشَهُ، وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَحْتَمِلُ»^۱

مؤمن را سه ساعت است: ساعتی که در آن با خدا مناجات می‌کند؛ ساعتی که در آن برای هزینه‌ی زندگی می‌کوشد. و ساعتی که در آن از لذت‌های حلال و زیبا بهره می‌برد.

جمال السالکین، شیخ محمد بهاری همدانی رحمته الله، در این باره چنین می‌نویسد:

«هرکاری دارد باید اوقات خود را ضایع نکند، از ابتدای بعضی از وقت او مهمل در برود. باید برای هر چیزی وقتی قرار دهد، اوقات او منقسم گردد. وقتی را باید وقت عبادت قرار دهد، هیچ کاری در آن وقت غیر از عبادت نکند، وقتی را وقت کسب و تحصیل معاش خود قرار دهد، و وقتی را رسیدگی به امور اهل و عیال خود، و وقتی را برای خور و خواب خود قرار دهد، ترتیب این‌ها را به هم نزند، تا همه‌ی اوقات او ضایع گردد»^۲

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه‌ی ۳۶۰.

۲. تذکرة المتقین، ص ۹۲.

هم چنین آن بزرگوار در جای دیگر می فرماید:

«کارهای او باید نظم و ترتیب داشته باشد، هر چیز را وقتی قرار دهد تا مجال خلوت با نفس و خودپردازی را از دست ندهد. طوری باشد که تخلف نداشته باشد، هر چیز را در محل خود به جا آورد، هر چه هر وقت شد نکند، مفسده زیاد دارد.»^۱

۷. شایسته است سالک در انجام اعمال مستحبی، «مداومت» ورزیده و از پراکنده عمل کردن به ادعیه و اذکار خودداری کند؛ بلکه هر عملی انتخاب نمود حداقل یک سال به آن عمل کند. زیرا در حدیث منقول از امام صادق علیه السلام آمده است:

«إِذَا كَانَ الرَّجُلُ عَلَى عَمَلٍ فَلْيَدْمُ عَلَيْهِ سَنَةً ثُمَّ يَتَحَوَّلْ عَنْهُ إِنْ شَاءَ إِلَى غَيْرِهِ، وَذَلِكَ أَنْ لَيْلَةَ الْقَدَرِ يَكُونُ فِيهَا فِي عَامِهِ ذَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ.»^۲

هرگاه انسان عملی را شروع کرد، شایسته است یک سال بر آن مداومت ورزد و سپس، اگر خواست، به عمل دیگری منتقل شود؛ زیرا در شب قدر آن سال، آن چه خدا بخواند (در رابطه با آن عمل) رخ می دهد.

علامه سید مهدی بحر العلوم رحمه الله در رساله‌ی سیر و سلوک در این باره چنین می نویسد:

۱. تذکرة المتقين، ص ۹۹.

۲. کافی، ج ۲، ص ۸۲، حدیث ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۴؛ بحار الانوار، ج ۶۸.

ص ۲۶۸؛ ج ۸۴، ص ۲۲.

«به‌جسم، ثبات و دوام: تا هر حالی مقامی شود؛ چه قلیل عمل با دوام. افضل است از کثیر آن بدون دوام. حدیث ابی‌جعفر در روایت زراره فرموده است: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَإِنْ قَلَّ»^۱ و مراد از ثبات آن است که هر آن چه را که عزم و وفا نمود، بر آن ثبات ورزد و از آن تخلف نکند. و در تخلف آن خوف و خطر است؛ چه حقیقت عمل بعد از ترک آن به مخاصمت برمی‌خیزد. پس تا جزم بر وفا و ثبات ننماید بر عملی عزم نکند، و از این راه به رفق مأمور شده که به تدریج بدن و نفس را در تحت اطاعت خود درآورد تا تواند بر مافوق آن چه مزاوی است، ثبات ورزد. و مادامی که ثبات در مرحله‌ای را جازم نباشد، عازم آن نگردد و در مرحله‌ی سابق توقف کند.»^۲

علامه‌ی طباطبایی رحمته‌الله پس از بیان مقدمه‌ای، عبارت فوق را چنین شرح می‌دهند:

«سالك باید به واسطه‌ی اعمال مندرجه و مداوم خود، آن صورت ملکوتیه‌ی مجرّده را در نفس خود تثبیت کند تا از حال به مقام ملکه ارتقا یابد. سالك باید به واسطه‌ی تکرار هر عملی حقّ روحانی و ایمانی خود را از آن عمل دریافت کند و تا این معنی برای او حاصل نشود دست از عمل باز ندارد و آن جنبه‌ی ملکوتی ثابت عمل وقتی حاصل می‌گردد که سالك به طور ثبات و دوام به عمل اشتغال ورزد تا اثرات ثابت‌ه‌ی اعمال قانیه‌ی خارجیّه در صقع نفس رسوخ پیدا کند

۱. ک. فی، ج ۲، ص ۸۲، حدیث ۱۲؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۲، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۱۹.

۲. رساله‌ی سیر و سلوک منسوب به بحر العلوم، ج ۱، ص ۱۴۱.

و متحجر گردد و دیگر پس از تثبیت و استقرار قابل رفع نباشد. پس سالک باید سعی کند عملی را که مطابق استعداد او است انتخاب کند و اگر احیاناً ثبات و دوام آن را عازم نیست اختیار ننماید؛ زیرا در صورت مشارک‌ه‌ی عمل، حقیقت و واقعیت عمل به مخاصمه برمی‌خیزد و آثار خود را بالمرّة جمع نموده و با خود می‌برد و در نتیجه آثاری ضد آثار عمل در نفس پدید می‌آید نمود بالله. معنی مخاصمه آن است که چون سالک آن عمل را ترک گفت، حقیقت آن عمل به طور عکس العمل از سالک دوری می‌جوید و آثار و خصوصیات خود را نیز با خود می‌برد؛ و چون آن عمل، عمل نورانی و خیر بوده است چون ناحیه‌ی نفس از آن آثار نورانی خالی گردد، ناگزیر آثار ضد آن از ظلمت و تیرگی و شور جایگزین آن خواهد شد.^۱

بنابراین، پس از آن که انسان با راهنمایی استاد بصیر به فراخور حال، شغل و وقت خود، اعمال مستحبّی خاصی را گزینش کرد، دیگر نباید - جز در موارد ضروری مانند مسافرت و ... - کاهلی نموده و در انجام آن سستی ورزد؛ چرا که گاه اتفاق می‌افتد انسان در انجام عملی در آغاز حال ندارد ولی وقتی به انجام آن اقدام می‌ورزد، آن کسالت و سستی به کلی رخت برمی‌بندد و این یکی از راه‌هایی است که می‌توان میزان تناسب اعمال انتخاب شده را با وضعیت سالک تشخیص داد. بنابراین، سالک نباید به هرگونه

احساس کسالتی ترتیب اثر دهد، بلکه این گونه احساس کسالت‌ها در واقع وسوسه‌های شیطان است که در برابر انجام اعمال عبادی مانع ایجاد می‌کند. بنابراین، باید عزم خود را جزم نموده و با آن‌ها مخالفت نماید. در حدیث منقول از امام صادق علیه السلام آمده است:

«إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالضَّجَرَ، فَإِنَّهُمَا يَمْتَعَانِكَ مِنْ حَقِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»^۱

بپرهیز از تنبلی و بی‌ثباتی، زیرا این دو مانع بهره‌مندی تو از دنیا و آخرت می‌شوند.

۸. اگر برنامه‌ی عبادی سالك به هر علتی به هم خورد و پاره‌ای از اعمال را از روی اختیار و یا بی‌اختیار ترك كرد، به هیچ وجه نباید «یأس و نومیدی» به خود راه داده و نشاط در انجام عمل را از دست دهد؛ بلکه با توکل بر خداوند جبار که جبران‌کننده‌ی کاستی‌های بندگان است، باید تصمیم دوباره گرفته و در صورت امکان به قضای آن عمل و یا به انجام آن در آینده اقدام نماید؛ چرا که خداوند سبحان به چنین بنده‌ای مباحثات می‌کند. در حدیث منقول از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

«إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لَيُبَاهِي مَلَائِكَتَهُ بِالْعَبْدِ يَقْضِي صَلَاةَ اللَّيْلِ بِالنَّهَارِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انْظُرُوا إِلَى عَبْدِي يَقْضِي مَا لَمْ أَفْطَرْهُ عَلَيْهِ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ.»^۱

به راستی خداوند تبارک و تعالی نزد فرشتگان از بنده‌ای که نماز شب را در روز قضا می‌کند، مباحثات می‌کند و به ملائکه می‌گوید: به بنده‌ام نگاه کنید و ببینید چگونه آن چه را که بر او واجب ننموده‌ام قضا می‌کند، گواه باشید که من او را آمرزیدم.

و در حدیث منقول از امام صادق علیه السلام آمده است:

«كُلُّ مَا فَاتَكَ بِاللَّيْلِ فَأَقْضِهِ بِالنَّهَارِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذْكُرْ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا.»»^۲

هر عملی که شب فوت شد در روز قضا کن؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «و اوست کسی که برای هر کس که بخواهد متذکر شود یا سپاسگزاری نماید، شب و روز را جانشین یکدیگر گردانید.»

اینک با استمداد از حضرت حق و در ظل عنایات ولی اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، اعمال عبادی مربوط به شبانه‌روز را با محوریت کتاب مفتاح الفلاح به

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۹۸، حدیث ۱۴۲۸.

۲. سوره فرقان، آیه ۲.

محضر عزیزان عرضه می‌داریم و از خداوند نشاط در عبادت و حلاوت انس با او را مسألت داریم.

«إِلٰهِي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا، وَمَنْ [ذَا] الَّذِي أُنْسَ بِقُرْبِكَ، فَأَبْتَغِي عَنْكَ حَوْلًا»^۱

ای اله! کیست که شیرینی محبت (و انس با) تو را چشید و جرئت خواست؟! و کیست که با مقام قرب تو انس گرفت و از تو روی گردان شد؟!
 محمد روحی - محمدتقی فیاض بخش

مقدمه‌ای بر چاپ پنجم

استقبال از کتاب آداب المریدین و چاپ چندباره‌ی آن در مدتی کوتاه، بیانگر نیاز جامعه‌ی اسلامی ما - خصوصاً قشر جوان - به دستورالعمل و برنامه‌ای منظم برای عبادت و راه و رسم مناجات با پروردگار است. هرچند در مقدمه‌ی چاپ اول به نکات اصلی طریق استفاده از این کتاب اشاره شده است، ولی مناسب دیدیم تا در آستانه‌ی چاپ پنجم، نکات دیگری بر آن بیفزاییم:

روح حاکم بر کتاب آداب المریدین، دستورات عبادی است که علامه‌ی ذوقنون، شیخ بهائی رحمته‌الله در کتاب گران سنگ خود «مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة» بیان نموده است، و در قدر و قیمت این کتاب همین بس که مؤلف آن در مقدمه‌ی کتاب می‌نویسد: «برخی از اخص برادران دینی و صمیمی‌ترین دوستان اهل یقین از من درخواست نمودند که کتابی مختصر در اصلی‌ترین آداب واجبات و مستحبات و اذکار و اوراد یومیه را به نگارش درآورم که با کمترین حجم، بیشترین نتیجه را در سیر و سلوک الی الله در بر داشته باشد، و این حقیر اجابت نمودم و آن را مفتاح الفلاح نامیدم تا راه‌گشای طالبین به سوی توحید باشد.»

قبل از این کتاب شریف، موسوعه‌های دعایی فراوانی در اختیار اهل معنا قرار داشت که مؤلفان آن خود اساتیدی ورزیده در مدارج علمی و معنوی بودند؛ آثاری از قبیل: «قوت القلوب»، اثر ابوطالب محمد بن علی مکی رحمه الله (متوفای ۳۸۶ ق.)؛ «مصباح المتهجد»، اثر شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی رحمه الله (۴۶۰ ق.)؛ «اقبال الاعمال»، اثر سید بن طاووس رحمه الله (۶۶۴ ق.)؛ و یا «عُدَّة الداعی»، اثر ابن فهد خلی رحمه الله (۸۴۱ ق.)، و حتی موسوعه‌های دعایی از قبیل «کتاب الدعاء» کافی نیز در اختیار بود، ولی درخواست اهل یقین از جناب شیخ در نگارش کتاب دعایی جدید، نه از سر تکرار مکررات بود، بلکه چون علامه‌ی شیخ بهایی رحمه الله خود اهل عمل و سالکی و صاحب مقامات و مدارجی در سلوک بود، شاگردان و اهل طریقت از او تقاضای ارائه‌ی نسخه‌ای موثق و منظم در دستورات سلوکی برای ساعات شبانه‌روز نمودند، و روشن است که با وجود چنان مدارکی، جای خالی موسوعه‌ی منظمی در اعمال شبانه‌روز احساس می‌شد. و لذا شیخ علی‌رغم ضیق وقت و اشتغالات فراوان علمی و اجتماعی، اقدام به تألیف کتاب مفتاح الفلاح نمود. و در مقدمه کتاب نیز با لسان رمز، اشاراتی به صاحبان دل می‌نماید که آنچه در این موسوعه آمده - با اختصاری که نسبت به سایر کتب دعایی دارد -، حداقلی است که سالک کوی محبوب در شبانه‌روز می‌باید ملتزم بر عمل به آنها باشد.

نظم و اتقان مباحث علمی و عملی این کتاب آن چنان مورد توجه اساتید فن قرار گرفت که بعد از مرحوم شیخ رحمته، اساتید اخلاق عموماً شاگردان خود را در دستورات عملی به این کتاب ارجاع می دادند. مرحوم مولی حسین قلی همدانی رحمته به همه ی شاگردان خود - که بالغ بر سیصد نفر می شدند -، در اعمال یومیه به مفتاح الفلاح توصیه می نمود، بعد از ایشان نیز همه ی رهپویان مدرسه ی آن بزرگ همین روش را دنبال کردند.

نکته ی دیگر آنکه: در مکتب تربیتی مولی حسین قلی رحمته و شاگردان ایشان تا مرحوم علامه ی طباطبایی رحمته و حضرت استاد سعادت پرور رحمته، اصل در دستورات سلوکی «مراقبه» است. مراقبه در یک معنای عام یعنی توجه و یاد دائمی خداوند و ترقّب عوالم ملکوت؛ از برزخ گرفته تا مراتب قیامت و عقبات آن، و به عبارت دیگر سلوک یعنی مراقبه ی دائمی غایت از خلقت انسان و توجه دائمی به مقام کرامت و خلافتی که خداوند برای انسان قرار داده است. و هر مقدار مراتب سلوک بالاتر باشد، مراقبات دقیق تر و تبعاً مکائد شیطان نیز ظریف تر می شود. و لذا تمام همت سالک در شبانه روز باید در حفظ تقوا و مراقبه ی راه و حریم داری ادب الهی با انواع اذکار قلبی و لسانی باشد؛ که حقیقت ذکر از تقوای دل برمی خیزد و آثار آن بر زبان و جوارح به صورت آداب و اذکار عبادی ظاهر می شود.

بدیهی است چنین مراقبه‌ی سنگینی با اشتغالات
 پر حجم روزانه نمی‌سازد و سالک باید از خلوت شب و
 حضور دل در آرامش سحری بهره‌ها برد تا بتواند مراقبه‌ی
 روز را به درستی حفظ نماید. و به همین دلیل است که
 خداوند در بیان برجسته‌ترین وصف اولیای خود علیهم‌السلام،
 به مقام مراقبه‌ی دائمی آنان در عین کار و کسب دنیوی
 اشاره می‌کند و می‌فرماید: «رَجُلٌ لَا تُلْهِهُمُ تِجَارَةٌ وَلَا يَتَّبِعُ
 عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَاقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ
 فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»^۱. از سوی دیگر، شیطان نیز اولین
 و قوی‌ترین دامی که برای بنی‌آدم در انصراف از مراقبه
 می‌گذارد، پر کردن اوقات آنان با اشتغالات دنیوی و غفلت
 از ذکر و مراقبه‌ی الهی است: «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ
 لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»^۲. جناب شیخ بهایی رحمه‌الله
 نیز که خود استادی مبرز و باتجربه در تربیت شاگرد بود و
 شخصیت‌هایی چون صدرالدین شیرازی رحمه‌الله و مولا محسن
 فیض کاشانی رحمه‌الله و فیاض لاهیجی رحمه‌الله و محقق سیرزوری رحمه‌الله
 و مجلسی اول رحمه‌الله از محضر علم و مکتب سلوکی او خوشه‌ها
 چیدند، خود به خوبی بر این درد آگاه بود و لذا برای درمان
 آن دست به نگارش کتاب فخیم مفتاح الفلاح می‌برد تا
 بهانه‌ای برای مراقبه‌ی منظم روز و شب باشد؛ زیرا اذکار
 و اوراد سلوکی آن گاه ثمربخش خواهد بود که مراقبه‌ی

۱. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۷.

۲. سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۳۹.

سألك به درستی انجام گیرد و در این صورت است که اعمال کم، آثار فراوان دارد و عید دائماً ذاکر و مصلی در درگاه الهی است.

کتاب مفتاح الفلاح به بهانه‌ی ارائه‌ی دستورات عبادی در ساعات شبانه‌روز، در حقیقت راه مراقبه‌ی دائمی در همه‌ی آنات عمر را به سالکین نشان می‌دهد؛ زیرا سالک اگر برای ساعات مختلف روز و شب خود برنامه‌ی عبادی داشته باشد، هر عبادت هشداری بر مراقبه‌ی جدید است و تداوم بر مراقبه، «حضور قلب»ی بالاتر در ذکر و فکر را موجب می‌شود و عبادت خالصانه‌تر، مراتب بالاتر مراقبه را به ارمغان می‌آورد و این دو در کنار هم، دو بال طائر قدسی روح انسانی برای سفر به کوی محبوب خواهند بود. بنابراین، علاوه بر آنچه در مقدمه‌ی چاپ اول در نحوه‌ی استفاده از این کتاب بیان شد، نکات دیگری را که حاصل تجربیات و اشارات بزرگان اهل معنا بوده است، ذیلاً به اختصار به استحضار می‌رسانیم:

۱- آنچه در عبادت و ذکر شرط اصلی است، حضور قلب است و مقام حضور در عبادت هنگامی ملکه می‌شود که مراقبه دائمی باشد.

۲- به تناسبی که مراقبه دقیق شد، مقام حضور در عبادت می‌باید دقیق‌تر شود: «وَلَنْ تَذْكُرَهُ حَقِيقَةَ الذِّكْرِ حَتَّى تَنْتَسِي نَفْسَكَ فِي ذِكْرِكَ».

۳- حفظ نظم در زمان اعمال عبادی و اوقات ذکر، قلب را مستعد مراقبه در زمان خاص می‌نماید و لذا مناسب است که اعمال مستحب، با کمیت کم ولی منظم و با کیفیت خوب و در زمان خود انجام گیرد؛ هرچند که اگر به صورت نادر فراموش شد، قضای آن بهتر از رها کردن آن است.

۴- نشاط در دعا و ذکر، شرط اصلی در حضور قلب و مستعد کردن نفس در تحمل عبادات سنگین‌تر است. و هرچند کتاب آداب المریدین گزیده‌ی مفتاح الفلاح است، ولی مناسب است خوانندگان محترم، اعمال را از کم، ولی منظم و با نشاط انجام دهند. در پایان یادآور می‌شویم که عمده‌ی دستورات کتاب برگرفته از مفتاح الفلاح است و در مواردی نادر، توصیه‌های عمومی بزرگان اخلاق و تربیت‌شدگان مکتب مولا حسین قلی همدانی رحمه الله ذکر شده و البته اسناد اصلی همه‌ی مطالب، مأثور از روایات موثق است که از طریق اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است.

و من الله التوفیق

مؤلفان